

بهزاد حمیدیه

نقد امامت پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش چهاردهم)

به اهتمام

جمعی از دانشجویان دانشکده فنی

دانشگاه تهران

[info@toraath.com](mailto:info@toraath.com)

نقد امامت پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش چهاردهم)

بهزاد حمیدیه، روزنامه‌ی رسالت شماره ۶۰۶۰، یکشنبه ۲۴ دی ۸۵

نقد مقاله‌ی «قرائت فراموش شده»؛ بازخوانی نظریه‌ی «علمای ابرار»، تلقی اولی اسلام

شیعی از اصل «امامت»، فصلنامه مدرسه، سال اول، شماره سوم، اردیبهشت ۸۵

دکتر کدیور<sup>۱</sup> در جمع‌بندی خود از شواهد سه‌گانه بر غلبه‌ی رویکرد «فرا بشری» در قرون اولیه‌ی تشیع، چنین ادامه می‌دهند:

«ثالثاً اگرچه ائمه از مذهب‌ترین و پاکیزه‌ترین افراد بشر به لحاظ دوری از معاصی هستند، اما عصمت در میان آدمیان منحصر به شخص پیامبر است. لذا نمی‌توان ائمه را برخوردار از سرشتی متفاوت از دیگر آدمیان دانست که به شیوه‌ای ویژه و فرا بشر از معصیت برکنار شده باشند، بلکه ایشان به گونه‌ای بشری و متعارف از گناه دوری می‌جویند تا آن‌جا که از ابرار محسوب می‌شوند.»

تفاوتی را که به اعتقاد دکتر کدیور، متقدمین حامی نظریه‌ی «علمای ابرار» میان شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) قائل می‌شدند، چندان با گزارش علامه مامقانی در فایده‌ی ۲۱ تنقیح-المقال (که قبلاً بدان اشاره شد) هم‌خوان نیست: «چه این‌که بسیاری از آن‌چه امروزه در مورد نبی و ائمه معتقدیم، در گذشته معتقد بدان را به ارتفاع و غلو متهم می‌کردند.» این عبارت نشان می‌دهد کسانی که نسبت غلو و ارتفاع به معتقدان به صفات «فرا بشری» می‌دادند، نه تنها در مورد صفات ائمه، بلکه در مورد صفات پیامبر هم حساس بودند و تعدی از حدی خاص را اجازه نمی‌دادند. اگر فرض کنیم که عبارت فوق، بیان حال طیفی دیگر از متقدمین غیر از طیف قائلان به نظریه‌ی «علمای ابرار» است،

آنگاه دعوی جناب دکتر کدیور در سراسر نوشتار خویش مبنی بر حاکمیت و غلبه‌ی نظریه‌ی مزبور بر عصور اولیه‌ی شیعه، قابل خدشه به نظر خواهد آمد.

جناب آقای دکتر کدیور، در توصیف ائمه، عنصر «دوری از گناه به گونه‌ی بشری و متعارف» را مطرح کرده‌اند و آن را در برابر عنصر «برکناری از معصیت به شیوه‌ای ویژه و فرابشر» قرار داده‌اند. این هر دو عنصر کمابیش دارای ابهام مفهومی هستند. در زیر روایات قلیلی از میان انبوه روایاتی که اهل سنت و شیعه نقل کرده‌اند آورده می‌شود تا معلوم شود جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام، در لسان نبوی و نیز در آیه‌ی تطهیر چگونه بوده است. روشن است که انکار این‌گونه روایات کثیره، از سوی دکتر محسن کدیور، نیاز به بحثی طولانی درباره‌ی رجال و سلسله‌ی اسناد همه این روایات دارد. ایشان باید نشان دهند سند این روایات مخدوش است و در میان متقدمین، چنین روایاتی رایج و مشهور نبوده، متأخرین آن‌ها را جعل و وضع یا رایج ساخته‌اند! در هر حال، در روایات زیر هم به معنای عصمت توجه فرمایید و هم به خطاپذیری علم ائمه علیهم‌السلام:

۱- تفسیر العیاشی (محمد بن مسعود العیاشی)، ج ۱، ص: ۲۴۹ «عن جابر الجعفی قال: سألت أبا جعفرٍ علیه‌السلام عن هذه الآية «أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أُولی الأمر منكم» قال: الأوصیاء. و فی روایة أبی بصیر عنه قال: نَزَلَتْ فی علی بن ابی طالب علیه‌السلام، ... و قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أوصیکم بکتاب الله و أهل بیته انی سألتُ الله أن لا یفرق بینهما حتی یوردهما علی الحوض فأعطانی ذلك و قال: فلا تعلموهم فإنهم أعلم منکم، إنهم لن یخرجوکم من بابه هدی و لن یدخلوکم فی باب ضلال.» مضمون قسمت اخیر روایت که از رسول خدا نقل شده است چنین است: به اهل بیت من چیزی یاد ندهید که آن‌ها عالم‌تر از شما باشند، آن‌ها شما را هرگز از باب هدایت خارج نمی‌کنند و در باب گمراهی وارد نمی‌کنند. دقت در اطلاق عبارت «فلا تعلموهم فإنهم أعلم منکم» و کلمه‌ی نفی تأییدی «لن» می‌رساند که هرگز خطایی در تعلیمات اهل بیت علیهم‌السلام نیست.

۲- تفسیر فرات الکوفی (فرات بن ابراهیم الکوفی)، ص: ۳۴۰ «فرات قال: حدثنا اسماعیل بن احمد بن الولید الثقفی مُعَنَّأً عن ابن عباس رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: فوالله

«إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً» فأنا و أهل بيتي مطهرون من الآفات و الذنوب.»

۳- تفسیر مجمع البیان (شیخ طبرسی)، ج ۹، ص : ۲۳۰ «ابوبکر البیهقی بالاسناد عن عبایة بن ربیع، عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ص): إن الله عزوجل جعل الخلق قسمین، فجعلنی فی خیرهم قسماً، ... ثم جعل القبائل بیوتاً، فجعلنی فی خیرها بیئاً و ذلك قوله عزوجل: «إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً» فأنا و أهل بيتي مطهرون من الذنوب.» طبق این دو روایت شریفه، اذهاب رجس از اهل بیت و تطهیرشان، به معنی دوری از ذنوب است. از سوی دیگر، در آیهی شریفهی تطهیر این دوری از ذنوب به اراده خداوند نسبت داده شده است بنابراین عصمت اهل بیت علیهم السلام به معنی وقایه‌ای الهی است؛ اراده‌ی خاص خداوند در مورد دوری اهل بیت از معصیت، ویژگی‌ای است که آن‌ها را از انسان‌های عادی دوری کننده‌ی از گناه ممتاز می‌گرداند چه این ویژگی را «فرا بشری» بخوانیم و چه «بشری» نام دهیم. آیا می‌توان پذیرفت به رغم شهرت و شیاع این معنی از آیهی شریفه-ی تطهیر در میان اصحاب پیامبر و ائمه، باز قرائت یا رویکردی در میان قدمای شیعه برقرار بوده باشد که قائل به خطاپذیری و عدم عصمت ائمه است تا چه رسد به غلبه‌ی این رویکرد در آن زمان؟!

به هر حال، روایات فراوانی قابل استتهاد و استناد هستند که هم خطای اهل بیت را قاطعانه مردود می‌دانند و هم به اثبات عصمت و وقایه‌ی الهی اشارت دارند. نفی سندی همه‌ی این روایات، کار بس سترگی است که دکتر کدیور به کلی از آن غفلت ورزیده‌اند. روشن است که نفی محتوایی نیز مستلزم استدلال ماتقدم خواهد بود (اثبات امری تاریخی صرفاً براساس پیش فرض‌های ذهنی).

بررسی انتقاد «جمع‌بندی» جناب دکتر کدیور را در همین جا به پایان می‌بریم. در شماره‌ی بعد به بخش دیگری از مقاله‌ی ایشان خواهیم پرداخت.